

فصلنامه علمی رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: ۸۵۶۲۵ Article Cod: Y۲N۴A۸۱۱۴ ISSN-P: ۲۶۷۶-۶۴۴۲

پیش بینی طلاق عاطفی براساس سبک های دلبستگی، صمیمیت زناشویی و هوش هیجانی زوجین

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

مریم رضایی

سحر رضایی^۱

چکیده

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر پیش بینی طلاق عاطفی براساس سبک های دلبستگی، صمیمیت زناشویی و هوش هیجانی می باشد روش پژوهش با در نظر گرفتن هدف کاربردی و شیوه اجرا از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زوجین مراجعه کننده به دادگاه های طلاق و مراکز مشاوره در کلانتری ها شهرستان کرمانشاه تشکیل می دهند که نمونه ای به تعداد ۲۰۰ نفر با استفاده از نمونه گیری دردسترس انتخاب گردید. شرکت کنندگان به پرسشنامه های سبک های دلبستگی و طلاق عاطفی گاتمن و هوش هیجانی سیریاشرینگ و صمیمیت زناشویی واکر و تامپسون پاسخ دادند. داده های دریافتی توسط ضریب همبستگی و رگرسیون چندمتغیره با استفاده از نرم افزار آماری ۱۹ SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل داده ها نشان داد که بین هوش هیجانی و طلاق عاطفی در سطح $(p < 0/01)$ رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. و نیز بین سبک های دلبستگی زوجین و طلاق عاطفی در سطح $(p < 0/01)$ و صمیمیت زناشویی با طلاق عاطفی در سطح $(p < 0/05)$ رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد که متغیرهای پیش

^۱ - گروه مشاوره و راهنمایی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول مقاله)

بین (صمیمیت، هوش هیجانی و سبک دلبستگی) به طور همزمان توانسته اند ۴۵ درصد از واریانس طلاق عاطفی را در شرکت کنندگان در پژوهش را پیش بینی و تبیین نمایند.



واژگان کلیدی: طلاق عاطفی، سبک های دلبستگی، هوش هیجانی، صمیمیت زناشویی

بخش اول: کلیات

زندگی اجتماعی انسان در طول تاریخ مسیر پر نشیب و فراز خود را پیموده و همواره به پیش می رود جامعه قالب اصلی این حرکت و چارچوب منظم زندگی تاریخی انسان است. جامعه بنا به اهمیت خاص خود پاسخ گوی بسیاری از سوالات و برطرف کننده بسیاری از مسائل و مشکلات زندگی انسان است. خانواده یکی از ابتدایی ترین اشکال شناخته شده زندگی اجتماعی انسان می باشد که از بدو پیدایش انسان در کره زمین تاکنون وجود داشته است. کارکردهای مختلف خانواده و نقش اساسی آن در جامعه یکی از مهمترین دلایل پیدایش و بقای آن از ابتدا تا به امروز می باشد. اگرچه قدمت خانواده به پیدایش انسان می رسد اما کارکرد اساسی خانواده یعنی ادامه نسل انسان به وسیله ازدواج تامین می شود و با توجه به این که ازدواج مقدمه تشکیل خانواده است. بنابراین نهاد ازدواج مقدم بر خانواده خواهد بود. ازدواج نیز مانند خانواده دارای اصول و ضوابط معینی است (محبی، ۱۳۹۰). یکی از مهمترین تصمیم هایی که هر انسان در طول زندگی خود میگیرد، انتخاب شریک زندگی است. ازدواج اولین تعهد عاطفی و حقوقی است که دو نفر آن را در بزرگسالی می پذیرند. با همسرگزینی و انعقاد پیمان زناشویی، خانواد تشکیل می شود تا با ارضای نیازهای جسمی، جنسی و عاطفی، احساس ایمنی، تعلق خاطر و حرمت نفس در آن رشد و پیشرفت فردی و اجتماعی میسر شود (صادقی و ملکی پور، ۱۳۹۴). از مسائلی که در حفظ بنیان و پایه های خانواده موثر میباشد داشتن روابط صمیمی دوجانبه در بین زوجین میباشد. شواهد فراوانی نشان می دهد که زوج ها در جامعه امروزی در برقراری و حفظ روابط صمیمی و درک احساسات از جانب همسرشان با مشکلات متعددی روبرو هستند. بطوریکه همین تاریکی روابط و ناپختگی عاطفی کم کم زمینه ساز پدیده مخربی به نام طلاق عاطفی در جامعه خصوصا نسل جوان و تازه ازدواج کرده می گردد. طلاق عاطفی فاصله عاطفی مشخص و آشکار میان همسرانی است که هر دو ناپخته هستند، هر چند یکی از آن ها ممکن است این ناپختگی را تایید کند و دیگری با ابراز اعمال مسئولانه مفرط چنین چیزی را انکار کند (گلدنبرگ، به نقل از باستانی و همکاران، ۱۳۸۹).

کاپلان و مادوکس (۲۰۰۲، به نقل از اعتمادی و رضایی، ۱۳۹۳) بیان می‌کنند که زندگی زناشویی یک تجربه شخصی در ازدواج است که تنها توسط خود فرد در پاسخ به میزان لذت رابطه زناشویی قابل ارزیابی است. عوامل بسیاری هستند که در زندگی مشترک بر روی رضایت زناشویی تأثیرگذار هستند، یکی از این عوامل صمیمیت بین زن و شوهر است. صمیمیت به عنوان توانایی ارتباط با دیگران با حفظ فردیت تعریف می‌شود. اینگونه تعاریف مبتنی بر خویشتن، حاکی از آن است که فرد به درجه‌ای از رشد فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه صمیمانه برقرار کند. صمیمیت یکی از مهمترین فرایندهای به کار رفته برای توصیف روابط نزدیک است که روابط عاشقانه را دربر می‌گیرد؛ اما به آنها محدود نمی‌شود. همچنین، صمیمیت فرایندی تعاملی است که در آن افراد تلاش می‌کنند به یکدیگر نزدیک شوند و شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان در احساسات، افکار و رفتارها را کشف کنند. محور این فرایند، شناخت، درک، پذیرش، همدلی با احساسات فرد دیگر و قدردانی یا پذیرش دیدگاه منحصر به فرد، فرد دیگر از دنیاست. صمیمیت یک نیاز اساسی و واقعی انسان است و تنها یک تمایل یا آرزو نیست (باگاروزی^۱، ۲۰۰۲).

صمیمیت به طور کلی به عنوان بخشی ضروری از یک رابطه در نظر گرفته می‌شود. تعاریف قراردادی از صمیمیت، شامل عوامل مرتبط با نزدیکی، بی‌پرده‌گویی، تقسیم کار، تمایلات جنسی و مهر و عاطفه می‌باشد (فرمانی‌شهرضا، ۱۳۹۳). لابتی و همکاران صمیمیت را به صورت تقسیم شادی‌ها و احساسات آزاردهنده و ترس از جریحه دار شدن احساسات، تعریف می‌کنند و این احساسات، ذات وجود ما هستند (مهدی پور، ۱۳۹۴). اگرچه این نوع طلاق در جایی ثبت نشده و نمود عینی ندارد اما مهمترین نوع طلاقی است که زوجین و فرزندان زیادی از آن رنج می‌برند (یزدانی، حقیقتیان و کشاورز، ۱۳۹۲). در طلاق عاطفی طرفین هیچ‌گونه عشق و علاقه و صمیمیتی نسبت به یکدیگر ندارند و از مجاورت با هم هیچ‌گونه لذتی نمی‌برند، اما علیرغم این عدم عشق و علاقه به زندگی با یکدیگر تن داده‌اند و جدا نمی‌شوند

^۱. Bagarozzi

(فردوسی پور، ۱۳۸۴). طلاق قانونی آخرین مرحله از فرایند جدایی است و معمولاً قبل از این آخرین مرحله، مراحل مختلفی از جدایی را زوجین پشت سر می‌گذارند که شاید مهمترین مرحله آن جدایی عاطفی زوجین باشد (شعبانی، ۱۳۹۲). در این میان یکی از عواملی که به نوعی با مسئله طلاق عاطفی مرتبط است هوش هیجانی می‌باشد. هوش هیجانی تحول جدیدی در فهم رابطه بین عقل و هیجان بوجود آورده و طرفداران هوش هیجانی بر این باورند که برای پیش بینی عملکرد فردی هوش هیجانی نسبت به هوش عمومی توان بیشتری دارد (گلمن ۱۹۹۸، سالوی واسلایتر، ۱۹۹۷، به نقل از تیلیم و کربی ۲۰۰۲) به نظر گلمن ۱ (۱۹۹۵) هوش هیجانی هم شامل عناصر درونی است و هم بیرونی. عناصر درونی شامل میزان خود آگاهی، خود انگاره، احساس استقلال و ظرفیت خود شکوفایی و قاطعیت می باشد و عناصر بیرونی شامل روابط بین فردی، سهولت در همدلی و احساس مسئولیت است. (پارسا، ۱۳۸۶). همچنین دیگر عاملی که می تواند بر طلاق عاطفی موثر واقع شود، سبکهای دلبستگی زوجین می‌باشد. نظریه های سبک دلبستگی، بر روابط اولیه در محیط خانواده تاکید کرده و آن را بر روابط بعدی موثر می داند همچنین پژوهشگران، سبکهای دلبستگی را به عنوان عوامل پایدار و چندنسلی تلقی کرده و پیشنهاد میکنند که چگونه خانواده ی مبدا شخص میتواند بر روابط زناشویی اثرگذار (گلدنبرگ، ۲۰۰۳) مطالعات مبتنی بر آسیب شناسی تحولی نیز رابطه ی بین تجارب منفی اولیه ی تحصیلی و خانوادگی و مشکلات افراد بزرگسال در انجام تکالیف تحولی و مشکلات روانشناختی و شبکه های معیوب زناشویی را مورد تاکید قرار می دهند (یانگ، ۲۰۰۳). مامی و عسکری (۱۳۹۳) و حیدری و اجتماعی سنگری (۱۳۹۴) دریافتند که از بین سبک های دلبستگی، سبک ایمن و سبک آشفته سردرگم به شکل معناداری قادر به پیش بینی طلاق عاطفی هستند. نتایج تحقیق هویت و میلر (۲۰۰۵) نشان داد که نوع سبک دلبستگی که افراد نشان میدهند در میزان اعتمادی که همسر احساس میکند، بسیار مهم، است و ساختاریک خانواده متعادل برپایه روابط زناشویی صمیمی استوار است و یکی از عوامل مهم در استحکام

این رابطه، سبک دلبستگی زوج‌ها است. مکتبی، داوودی و کرد زنگنه (۱۳۸۵)، صلاحیان، صادقی، بهرامی و شریفی (۱۳۸۹) طالب نیری (۱۳۸۶) و امینی، (۱۳۸۷) نیز دریافتند زوجهای دارای تحصیلات بیشتر، در ابعاد هوش هیجانی موفقیت بیشتری را نشان می‌دهند و در نتیجه تعارض زناشویی کمتری را نیز تجربه می‌کنند. با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع طلاق عاطفی و آسیب‌های همراه با آن، پرداختن به این موضوع می‌تواند چالشهای پیش رو در این مسیر را مشخص سازد تا براساس پیشنهادات راهگشا زمینه‌های کاهش این پدیده مخرب فراهم آید بنابراین، پژوهش حاضر به تعیین نقش سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی در پیش‌بینی طلاق عاطفی پرداخته است.

بند اول: مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه‌ها و مراکز مشاوره شهرستان کرمانشاه بودند. نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردید.

بند دوم: ابزارهای پژوهش

الف) پرسشنامه طلاق عاطفی: پرسشنامه طلاق عاطفی از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته جان گاتمن گرفته شده است. این پرسشنامه در سال ۲۰۰۸ نوشته شده و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف است. این مقیاس ۲۴ سوال دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. نمره گذاری پرسشنامه به صورت بله، خیر است. پاسخ بله امتیاز یک و پاسخ خیر ۰ می‌گیرد. هر چقدر میزان جواب‌های بله بیشتر باشد احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. در پژوهش مامی و عسگری آلفای کرونباخ برای پایایی پرسشنامه ۰.۸۳٪ ذکر شده است.

ب) پرسشنامه سبک‌های دلبستگی: این مقیاس توسط هزن و شیور (۱۹۷۸) ساخته شده و در ایران توسط رحیمیان و همکاران (۱۳۸۳) بروی پرستاران بیمارستانهای دولتی شهر

اصفهان هنجاریابی شده است. این پرسشنامه دارای ۱۵ گویه است که به هر یک از سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا ۵ گویه تعلق می‌گیرد و در مقیاس لیکرت از ۰ تا ۴ نمره گزاری شده است. و پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش رحیمیان و همکاران (۱۳۸۳) برای کل آزمون سبک دوسوگرا، اجتنابی، سبک ایمن به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۳، ۰/۸۱، ۰/۷۷، به دست آمد که پایایی مطلوبی را نشان می‌دهد.

ج) پرسشنامه هوش هیجانی: آزمون هوش هیجانی سبیریاشرینگ نیز در قالب مقیاس پنج گزینه ای لیکرت تنظیم شده است. روایی این آزمون در مطالعه بنی هاشمیان و همکاران مناسب و پایایی آن ۰/۸۵ بود. سؤالات این آزمون مربوط به ابعاد مختلف هوش هیجانی است که نمره هر یک جداگانه محاسبه می‌گردد. این ابعاد عبارتند از خودآگاهی، خودتنظیمی، خودانگیختگی، همدلی و مهارت های اجتماعی. هر آزمودنی شش نمره جداگانه دریافت می‌کند که پنج نمره مربوط به ابعاد و یک نمره نیز نمره کل می‌باشد. دامنه نمرات این پرسشنامه ۳۳-۱۶۵ است. در برخی سؤالات چنانچه آزمودنی گزینه اول را انتخاب کند نمره یک و چنانچه گزینه پنج را انتخاب کند نمره پنج می‌گیرد و بر عکس در برخی گزینه ها این روند معکوس است.

د) پرسشنامه صمیمیت زناشویی: این پرسشنامه خود گزارشی به منظور سنجش صمیمت زناشویی^۱ با ۱۷ سؤال به وسیله واکر و تامپسون (۱۹۸۳) تدوین شده است. این مقیاس جزئی از یک ابزار بزرگتر است که چندین بُعد صمیمت را در بر می‌گیرد اما توسط تهیه کنندگان آن به صورت مقیاس مستقلی گزارش شده است. نمره آزمودنی ها در این مقیاس از طریق جمع نمرات سؤالات، تقسیم بر ۱۷ حاصل می‌شود و در دامنه ای بین ۱۷ الی ۱۱۹ قرار می‌گیرد که نمره بالاتر نشانه صمیمیت بالاتر است. نمره متوسط در این مقیاس، ۸۵ می‌باشد. نمرات پرسشنامه در طیف لیکرت ۷ درجه ای از (هرگز با نمره ۱ الی همیشه با نمره ۷) محاسبه می‌گردد. این مقیاس با ضریب آلفای ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ از همسانی درونی بسیار عالی برخوردار است

^۱. Walker & Thompson

(واکر و تامپسون، ۱۹۸۳، به نقل از فرمانی شهرضا و همکاران، ۱۳۹۳). در ایران نیز ثنایی (۱۳۷۹، به نقل از ثنایی و همکاران، ۱۳۹۲) ضریب پایایی این مقیاس را ۰/۹۶ درصد گزارش کرده است.

بند سوم: شیوه گردآوری داده‌ها

شرکت کنندگان به پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی، طلاق عاطفی گاتمن و هوش هیجانی سیریا شرینگ و صمیمیت زناشویی واکر و تامپسون پاسخ دادند. داده‌های دریافتی توسط ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی گام به گام با استفاده از نرم افزار آماری ۱۹ SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

بخش دوم: یافته‌ها

نتایج جدول شماره ۱ نشان داد که میانگین (و انحراف معیار) هوش هیجانی در آزمونی‌های پژوهش ۱۹/۶۷ (و ۳/۶۱)، صمیمیت زناشویی ۲۲/۵۶ (و ۵/۴۴)، طلاق عاطفی ۳۴/۷۷ (و ۹/۲۱) می‌باشد. اطلاعات مربوط به هر یک از سبک‌های دلبستگی نیز به تفکیک در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار
صمیمیت زناشویی	۲۲/۵۶	۵/۴۴
هوش هیجانی	۱۹/۶۷	۳/۶۱
سبک دلبستگی	ایمن	۲/۱۰
	اجتنابی	۴/۱۱
	۱۶/۱۸	
	۲۵/۳۰	

۳/۴۴	۲۲/۴۳	دوسوگرا	
۹/۲۱	۳۴/۷۷	طلاق عاطفی	

با توجه به جدول ۱ مشاهده می‌شود که ضرایب همبستگی بین هوش هیجانی، صمیمیت زناشویی و سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با طلاق عاطفی از نظر آماری معنی دار می‌باشد.

جدول ۲- ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱- طلاق عاطفی	۱					
۲- هوش هیجانی	۰/۵۴۰**	۱				
۳- سبک دلبستگی ایمن	۰/۶۲**	۰/۶۶**	۱			
۴- سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۴۸**	۰/۳۴**	۰/۵۳**	۱		
۵- سبک دلبستگی	۰/۳۹**	۰/۴۱**	۰/۴۰**	۰/۲۹**	۱	

دوسوگرا						
۱	۰/۳۷**	۰/۳۱**	۰/۵۵**	۰/۴۷**	۰/۴۴**	۶- صمیمیت زناشویی
	-۰	-۰	۰	۰	-	

تجزیه و تحلیل داده های پژوهش با روش رگرسیون چندمتغیره ورود همزمان که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است، نشان می دهد که متغیرهای پیش بین (هوش هیجانی، صمیمیت زناشویی و سبک های دلبستگی) توان پیش بینی و تبیین طلاق عاطفی در بین شرکت کنندگان در مطالعه را داشته اند. مقدار بتا برای صمیمیت زناشویی (۰/۲۶)، برای هوش هیجانی (۰/۲۴)، و برای سبک های دلبستگی ایمن (۰/۴۵)، اجتنابی (۰/۳۶)، و دوسوگرا (۰/۳۸) در سطح (0/001) معنادار است. همچنین، نتایج جدول شماره ۳ نشان می دهد که متغیرهای پیش بین (صمیمیت زناشویی، هوش هیجانی و سبک های دلبستگی) توانسته اند با هم ۰/۴۵ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین نمایند.

جدول ۳- جدول ضرایب (شاخص ها) تجزیه و تحلیل رگرسیون چندمتغیره پیش بینی طلاق عاطفی براساس متغیرهای پیش بین

متغیر	متغیر پیش بین	مقدار بتای استاندارد	مقدار ثابت	مجدور ^۲	مقدار ^۱	ملاک
صمیمیت زناشویی	۰/۲۶	۵۷/۶۶		۰/۴۵۳	۲/۱۳	طلاق عاطفی
هوش هیجانی	۰/۲۴				۴/۲۲	

۰۰ ۰/۰	۱/۱۸			۰/۴۵	سبک دل‌بستگی ایمن
۰۰ ۰/۱	۲/۵۵			۰/۳۶	سبک دل‌بستگی اجتنابی
۰۰ ۰/۰	۱/۶۳			۰/۳۸	سبک دل‌بستگی دوسوگرا

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر پیش بینی طلاق عاطفی براساس هوش هیجانی، صمیمیت زناشویی و سبک های دل‌بستگی می باشد. یافته ها نشان داد که بین سبک های دل‌بستگی زوجین و طلاق عاطفی رابطه ی معنی داری وجود دارد. در این راستا، مامی و عسکری (۱۳۹۳) و حیدری و اجتماعی سنگری (۱۳۹۴) دریافتند که در ارتباط با سبک های دل‌بستگی، سبک ایمن و سبک آشفته سردرگم قاندراست به شکل معناداری طلاق عاطفی را پیش بینی نمایند، یافته های پژوهش حاضر نیز نشان داد که بین سبک های دل‌بستگی زوجین و طلاق عاطفی رابطه معنی داری وجود دارد و سبک دوسوگرا با ضریب رگرسیونی ۰/۴۰۰ اثر افزایشی و سبک ایمن با ضریب رگرسیونی ۰/۱۷۲- اثر کاهشی بر نمرات طلاق عاطفی دارند. همچنین دیگر یافته پژوهش نشان داد که بین هوش هیجانی و صمیمیت زناشویی با طلاق عاطفی رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. همسو با این تحقیق مکتبی، داوودی و کرد زنگنه (۱۳۸۵)، صلاحیان، صادقی، بهرامی و شریفی (۱۳۸۹)، طالب نیری (۱۳۸۶) و امینی (۱۳۸۷) دریافتند، زوجهای دارای تحصیلات بیشتر، در ابعاد هوش هیجانی موفقیت بیشتری را نشان میدهند و در نتیجه تعارض زناشویی کمتری را نیز تجربه میکنند. به طور کلی صاحب نظران و پژوهشگرانی که به

بررسی و مطالعه علمی هوش هیجانی می‌پردازند معتقدند که هوش هیجانی می‌تواند کاربردها و تاثیرات مهمی بر فعالیت‌های زندگی خانوادگی و زناشویی و... داشته باشد. به عقیده دانیل گلمن، هوش هیجانی نقش مهمی در برقراری و ادامه ارتباطات بازی می‌کند، بنابراین می‌توان انتظار داشت فردی با هوش هیجانی بالا که در ارتباطات اجتماعی و همچنین در ارتباطات نزدیک موفق‌تر است، در ارتباطات زناشویی نیز بهتر عمل کند. در باره ارتباط سبک دلبستگی با طلاق عاطفی نیز می‌توان بیان داشت که داشتن رابطه‌ی صمیمانه و دلبستگی عاطفی با افراد نزدیک زندگی چون والدین، همسر و فرزندان یکی از مهمترین نیازهای بشری است نظریه‌ی دلبستگی، انسان را به عنوان موجودی اجتماعی می‌نگرد که ظرفیت برقراری ارتباط با سایر انسان‌ها را دارد. یک رابطه‌ی امن با فردی صورت می‌پذیرد که نسبت به او احساس دلبستگی بشود. این ارتباط امن بیشتر با همسر شکل می‌گیرد و همسر شکل اولیه‌ی دلبستگی و منبع عمده‌ی امنیت و احساس آرامش است. افرادی که احساس ایمنی میکنند به همسر خود دلبستگی روشن‌تر، منسجم‌تر و پیوسته‌تری داشته و احساس مثبتی نسبت به خود دارند. زوجینی که دلبستگی ایمن دارند نسبت به یکدیگر متعهدتر هستند. آن‌ها از رابطه‌ی بین فردی خود بیشتر احساس رضایت می‌کنند و این امر سبب تداوم رابطه بین آنها می‌گردد (بالبی ۱، ۱۹۸۲). بنابراین طلاق عاطفی بین زوجین رخ نخواهد داد و برعکس. از آنجاکه بین هوش هیجانی و طلاق عاطفی رابطه منفی و معناداری وجود داشت لذا توجه به آموزش مهارت‌هایی که تاثیر مثبت بر این ویژگی‌ها داشته باشد، می‌تواند در سطوح دبیرستان و دانشگاه در زمینه‌ی پیشگیری از آسیب‌های خانواده مورد نظر قرار گیرد. آموزش زوج‌های جوان و دانشجویان مجرد و متأهل از جمله موارد قابل بحث در ارتقاء سطح هوش هیجانی می‌باشد.

¹Bowlby

منابع و مأخذ

اعتمادی، ع.، و رضایی، ج. (۱۳۹۳). صمیمیت و نقش آن در زندگی زناشویی: مفاهیم، نظریه‌ها و راهکارها. اصفهان: نشر جهاد دانشگاهی اصفهان.

اعزازی، شهلا (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی خانواده، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

باستانی، سوسن، گلزاری، محمود، روشنی، شهره. طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹.

بخارایی، احمد. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران (طلاق عاطفی)، تهران: پژوهش‌های جامعه

بهراری، سیف‌الله و فرکیش، چهگور. (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های هویتی و سبک‌های دلبستگی با بهزیستی روانشناختی جوانان فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، سال چهارم، شماره دوم، بهار ۸.

شعبانی، سعید (۱۳۹۲) یار محمدیان، احمد. ریحانی، فاطمه. قادری، زهرا. (۱۳۹۱). رابطه هوش هیجانی و مکانیسم‌های دفاعی در زوجین در آستانه طلاق و عادی. مجله روشها و مدل‌های روانشناسی / سال دوم / شماره هفتم / بهار ۱۳۹۱ / (صص ۴۷-۶۱)

صادقی، سهیلا. ملکی پور، زینب. (۱۳۹۴). پیامدهای فاصله در روابط زوجین و استراتژی‌های مواجهه با آن. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان ۴۹۳۱، صص ۱-۲۵. پایاننامه‌ی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.

عیدی، رقیه، خانجانی، زینب. (۱۳۸۹). بررسی سبک‌های دلبستگی بر میزان رضایت زناشویی بین زوجین. فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز سال ۱۳۸۶، ۱ (۲-۳): ۱۷۵-۲۰۱.

فرمانی شهرضا، شیوا. (۱۳۹۳). رابطه بین صمیمیت زناشویی، الگوهای ارتباطی زناشویی و همدم طلبی - دوری‌گزینی کارکنان متأهل دانشگاه خوارزمی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۴(۳): ۴۷۲-۴۴۸.

گاتمن، جان. (۲۰۰۸). موفقیت یا شکست در ازدواج. ترجمه ارمان جزایری، ۱۳۸۸. انتشارات خجسته.

گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت. (۲۰۰۳). خانواده درمانی. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی براواتی، سیامک نقشبندی، ۱۳۸۹.

